

## ارائه مدل هویت ایرانی - اسلامی در پدیده جهانی شدن نظام آموزشی ایران مبتنی بر مبانی روانشناختی برنامه ریزی آموزشی و درسی

فرهاد پردخته<sup>۱</sup>، فاطمه محمدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، آموزشکده فنی و حرفه ای آستانه اشرفیه، گیلان، دانشگاه فنی و حرفه ای، ایران

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، آموزش و پرورش آستانه اشرفیه، سازمان آموزش و پرورش گیلان، ایران

### چکیده

یکی از مسائل مهمی که در روند جهانی شدن می توان پیرامون آن بحث نمود، فرهنگ است و جدای از جهانی شدن، فرهنگ، حقیقتی زنده و زاینده است که مدام در حال تغییر می باشد و مرگ آن هنگامی رقم خواهد خورد، که به واسطه تقلید مسخ گردد. از این رو در شرایط کنونی، ما نیز به عنوان یک کشور اسلامی باید با توجه به فرصت ها و تهدیدهای ناشی از روند جهانی شدن خود را برای مواجهه با این پدیده مهیا ساخته و با اتکا به داشته های فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی، علاوه بر حفظ هویت به ویژه هویت فرهنگی خویش، با بهره گیری از ابزار برآمده از فرهنگ جهانی درصدد جهانی کردن آن باشیم. در این مقاله با بررسی مبانی روانشناختی برنامه ریزی آموزشی و درسی که در علوم تربیتی عبارت است از بحث از موقعیت، امکانات و محدودیت های انسان و ضرورت هایی که زندگی او را همواره تحت تاثیر قرار می دهد یا به تعبیری مبانی، هسته ایی است که از آن بایدها و نبایدها (اصول) اتخاذ می شود. در قسمت برنامه ریزی آموزشی و درسی که با یادگیری فراگیر سروکار دارد، در رویکردهای مختلف، مورد بررسی قرار گرفته؛ ابتدا جهانی شدن و پیامد های آن را بررسی کرده ایم سپس میان جهانی شدن و هویت و ابعاد آن مبتنی بر مبانی روانشناختی برنامه ریزی آموزش و درسی به ارائه مدل پرداخته ایم. نتایج بدست آمده با توجه به فرصت ها و تهدیدهای ناشی از روند جهانی شدن، با این مدل خود را برای مواجهه با این پدیده مهیا ساخته و با اتکا به داشته های فرهنگ غنی ایرانی اسلامی خود علاوه بر حفظ هویت خویش، با بهره گیری از ابزار برآمده از فرهنگ جهانی، در این مقاله به بررسی موردی در این حوزه پرداخته و آن را نگاشته ایم.

**واژه های کلیدی:** جهانی شدن، نظام آموزشی ایران، هویت ایرانی-اسلامی، مبانی روانشناختی، مدل برنامه ریزی آموزشی و درسی

## ۱- مقدمه

جهان قرن بیست و یکم نظاره گر تازه ترین و گسترده ترین تحولات متأثر از پدیده ی جهانی شدن است. مقوله ای که با خود پیچیده ترین دگرگونی ها را در نظام های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی ایجاد کرده است و پیامدهای مهمی برای اقتصادهای منطقه ای و ملی دارد. از دیگر پیامدهای این مقوله، تحولات وسیع در کمیت و کیفیت ارتباطات بین افراد، گروه ها، نهادها، سازمانها، مجامع، شرکتها و سایر تشکل های اجتماعی است (کارنوی، ۱۹۹۹). بحث و مذاقه پیرامون واژه جهانی شدن در سالهای پایانی قرن بیستم رایج گردید (واترز، ۲۰۰۱) و در فرایند گذر زمان دچار تحولات مفهومی و کارکردی شده است، چنانچه از بعد صرف اقتصادی وارد مقولاتی چون سیاست، قدرت، تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، مسائل جامعه شناختی و روان شناختی شده است. جهانی شدن و مشارکت در امر آموزش موضوع بحث اندیشمندان زیادی شده است و فشارهای مرتبط با جهانی شدن، بحث تأثیر آموزش را در جامعه امروزی مطرح می کند (شولت، ۲۰۰۰) (اصطلاحاتی چون: *globalizing, globalization, globalize*، از حدود سال های ۱۹۶۰ رواج عام یافته است ولی واژه جهان *global* بیش از چهارصد سال قدمت دارد. عده زیادی از اندیشمندان دیدگاه های متفاوتی درباره جهانی شدن ارایه داده اند (کاستل ۱۹۸۹)؛ (هک و موریل ۱۹۹۹)؛ (والرشتاین، ۱۹۷۹)؛ (گیدنز، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰)؛ (اپل، ۲۰۰۴)؛ (باول و جینتیس، ۱۹۷۶)؛ (کارنوی، ۱۹۹۹)؛ (مکلارن و فرهمندپور، ۲۰۰۵)؛ (زاجدا، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹) الف. والرشتاین، ۱۹۹۸، ۱۹۷۹) از جهانی شدن به الگوی «نظامهای جهانی» یاد می کند. (گیدنز، ۲۰۰۰)، ۱۹۹۹ آن را با «مقصد زمانی-فضایی» به تصویر می کشد. (کاستل، ۱۹۸۹) جهانی شدن را گونه ای از شبکه ای شدن می داند. جنو- جاجاو جهانی شدن را روی آوردن به نظامهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهانی میدانند؛ به نظر آنان چنین روی آوردی، فشارهایی به آموزش و پرورش وارد میسازد که در اثر آن آموزش و پرورش به ناچار به هدفهای جدیدی روی میآورد. (گیدنز، ۲۰۰۱)، جهانی شدن را به معنای فشردگی روابط اجتماعی بینالمللی میدانند به گونه ای که رویدادهای محلی در مناطق دور دست تحت تأثیر رویدادهای مناطق بسیار دورتر و برعکس رخ میدهند (گیدنز و هاتون، ۲۰۰۱) (از نظر (مکگرو، ۱۹۹۲)، جهانی شدن صرفاً به سرعت و گسترش این مقوله محدود نمیشود بلکه به تشدید یا تعمیق این فرایند در حوزههای مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی معطوف است.

جهانی شدن دارای ابعاد فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی است و در معنای مثبت آن نوعی فرصت انتقال تجارب و دستاوردهای موفق بخشهای توسعه یافته جهان به سایر بخشهای جهانی و همچنین «تبادل فرهنگی» تمام ملل است. به عبارت دیگر درک استعماری و فرا استعماری از مقوله جهانی شدن هر دو لازم است (اسمیت، ۲۰۰۲) (از نظر (شولت، ۲۰۰۰) جهانی شدن دارای معانی پنجگانه متفاوتی است که نباید در درک معنای آن دچار اشتباه گردید:

- ۱- جهانی شدن به معنای بینالمللی شدن، روابط برون مرزی کشورها در عرصه تجارت و سرمایه گذاری و بیانگر وابستگی متقابل و بینالمللی شدن اقتصادهای ملی است
- ۲- جهانی شدن به معنای آزاد سازی اقتصاد ملی در جهت حرکت به سمت اقتصاد جهانی است.
- ۳- جهانی شدن به معنای عالمگیر شدن و فراهم آوردن تجارب و مسائل متنوع برای ملل و مردم تمام کشورها در هر نقطه ای از جهان است. نمونههایی از این وضعیت گسترش ارتباطات اینترنتی و ... است.
- ۴- جهانی شدن به معنای نوسازی غربی به ویژه در شکل آمریکایی آن است.

۵- جهانی شدن به مفهوم قلمرو یا سرزمین زدایی است که منجر به فرا بومی شدن تعاملات در فضای اجتماعی میگردد. بر اساس این مفهوم که شولت آن را تعریف و برداشت روشن و بهتری از جهانی شدن میداند روابط اجتماعی و فرهنگی فراتر از مکانهای جغرافیایی و در سطح شبکههای از فعالیتهای فرا قاره‌ای و جهانی تعریف می شود (شولت، ۲۰۰۰)؛ (اولسن و دیگران، ۲۰۰۴).

جهانی شدن در ابعاد سه گانه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آموزش و پرورش را تحت تاثیر قرار میدهد. در بعد اقتصادی با گسترش نئولیبرالیستی (دلونگ، ۲۰۰۲) باعث خصوصی سازی مدارس، قطع هزینه‌های عمومی در جهت تجهیز مدارس و باعث خودگردانی اقتصادی مدارس میشود. تربیت افرادی که بتوانند به دنبال سود فردی خود باشند محوریت می یابد و در همین راستا آموزش های فنی و حرفه ای اهمیت بیشتری پیدا می کند.

در بعد سیاسی باکمرنگ شدن نقش حکومت‌های ملی- محلی و ایجاد حکومت جهانی واحد تناسب بین اهداف و محتوا و روشهای تربیتی با نیازهای جامعه‌ی محلی- ملی کاهش مییابد و آموزشها شکل غیر بومی و جهانی یافته و باعث جهتگیری نظام تعلیم و تربیت به سمت تربیت شهروند جهانی میگردد. البته با توجه به رشد عملکردهای فراملی در نتیجه ی جهانی شدن شناخت سایر فرهنگ ها و زبان ها ضرورت می یابد. بعد فرهنگی مهمترین و مؤثرترین بعد از نظر تأثیر گذاری بر نظام آموزش و پرورش است. جهانی شدن باعث نفوذ ارزشهای فرهنگی سایر جوامع در جامعه می شود. هم چنین رشد پدیده ی مهاجرت باعث ایجاد کلاس های چند فرهنگی و اهمیت یافتن یادگیری برای باهم زیستن و استلزامات خاص از جمله یادگیری شناخت خویشتن، قائل شدن احترام برای دیگران و آموختن حس مسئولیت و همکاری با دیگران می شود (شکاری و رحیمی، ۱۳۸۶).

## ۲- ادبیات تحقیق

جهانی شدن به خروج فرد از حالت درون نگرانه و متکی به یک منطقه خاص، به سمت یک هویت برون نگرانه و فرا سرزمینی گفته میشود. امروزه این پدیده باعث پدیده ی اضمحلال فرهنگی و بومی شده که منجر به سرزمین زدایی در افراد می شود (سابقی، ۱۳۷۵). جهانی شدن به معنای شروع از جهان بی مرز می باشد (کنیچی اهامه، ۱۹۹۲) جهانی شدن به معنای « جهان اشیاء » می باشد که دارای سرعت های مختلف، نقاط مبدا و مقصد، و روابط متنوع در ساختار های سازمانی در مناطق مختل، کشورها، یا جوامع مختلف می باشد (آپادورای، ۱۹۹۶). به دلایلی تعریف جامع و مانعی از این اصطلاح وجود ندارد از جمله می توان به قدمت و پیشینه ی اندک این پدیده و ارتباطش با سطوح مختلف تحلیل مانند سیاست، اقتصاد و فرهنگ و در نهایت نرسیدن به تکامل نهایی اشاره کرد این پدیده می تواند باعث دخالت اقتصادی و فرهنگی شود که نتیجه ی آن برخورد شدید و همه جانبه ی بین تمدن های جهان سوم، جهان دومی و جهان اولی می باشد. (تافلر، ۱۳۷۶)، تعاریف «جهانی شدن» نشان از پدیده‌های چالش انگیز دارد که ابعاد مختلف آن قلمرو بسیاری از مفاهیم اجتماعی سنتی، مانند نظم، قدرت، امنیت، دولت، مشروعیت، فرهنگ، حاکمیت و هویت را درنوردیده و زمینه را برای تفسیر آنها فراهم ساخته است.

## ۲-۱- جهانی شدن و تعلیم و تربیت

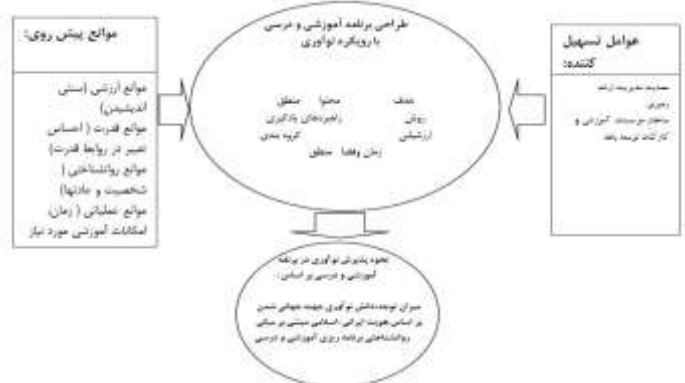
جهانی شدن نیز مانند هر پدیده‌ی دیگری یک فرایند است که به صورت تدریجی ساختارهای سنتی جوامع را در هم می شکند و نقش ها و ساختارهای نوینی را برای جوامع مدرن به ارمغان می‌آورد. از جمله ساختارهایی که در سیر این فرایند باید دچار تغییر و تحولات اساسی و پایا شود نظام آموزشی هر کشور است (خسروی و ابراهیمی، ۱۳۸۴) و تأثیر

جهانی شدن بر نظام های آموزشی یا نظام تعلیم و تربیت تأثیری حساس تر و سرنوشت سازتر برای افراد جامعه است (کارنوی، ۱۹۹۹). در این مسیر تدوین مدل براساس هویت ایرانی-اسلامی، ضرورت می یابد که در الگوی شماره ۱ نشان داده شده است.



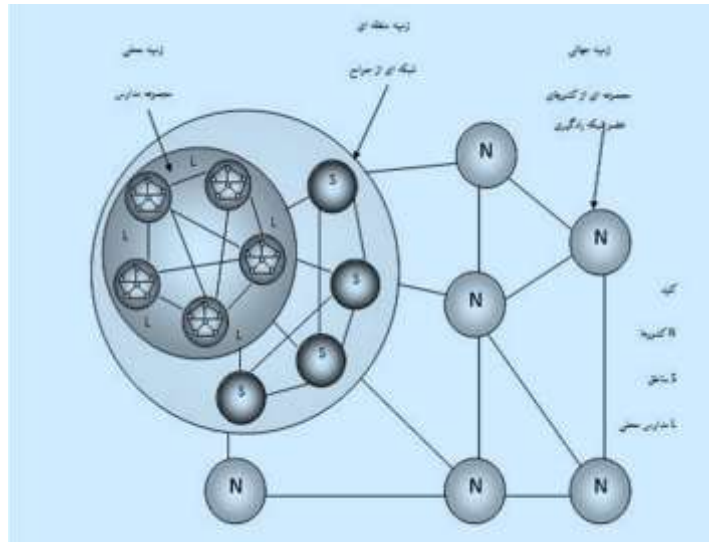
شکل ۱: مسیر تدوین مدل

مهم ترین شیوه ی آمادگی و آشنایی مردم و توسعه منابع انسانی از طریق نهاد تعلیم و تربیت هر کشور یعنی آموزش و پرورش میتواند فراهم آید. ایجاد آموزش و پرورش مبتنی بر آشنایی با هویتهای فرهنگی و ارزشی جامعه خودی و درونی نمودن ارزشهای تربیتی ملی و وفادار و علاقمند به ارزشهای جامعه ی بومی و نیز اصلاح آموزش و پرورش منطبق با منطق جهانی شدن نیازمند اقداماتی است که خود دلیلی بر هماهنگی آموزش و پرورش با ابعاد جهانی شدن آن از یک سو و وفاداری بر معیارها، فرهنگ و ارزشهای ملی از دیگر سو می باشد (عصاره و آقازاده، ۱۳۸۷) به طور اجتناب ناپذیر، یکی از مسائل بسیار مهم در سالهای اخیر در سیاستگذاری ها و تصمیم گیریها این است که چگونه آموزش و پرورش باید به گرایش ها و چالش های ناشی از جهانی شدن پاسخ دهد. به علاوه چگونه تعلیم و تربیت باید با افزایش تقاضاها در اشکال متنوع رشد افراد و جوامع محلی در قرن جدید برای به حداکثر رساندن حمایت و اثربخشی آموزش و پرورش نه تنها در مواجهه با جهانی شدن بلکه در مواجهه با خصوصی و محلی شدن که در که در اصلاحات آموزشی در حال رشد ضروری هستند روبرو شود (چنگ، ۲۰۰۴). این امر از لحاظ تحلیلی بر اساس این پژوهش به چهار عامل زیر که در الگوی شماره ۲ بدان اشاره شده نیازمند است.



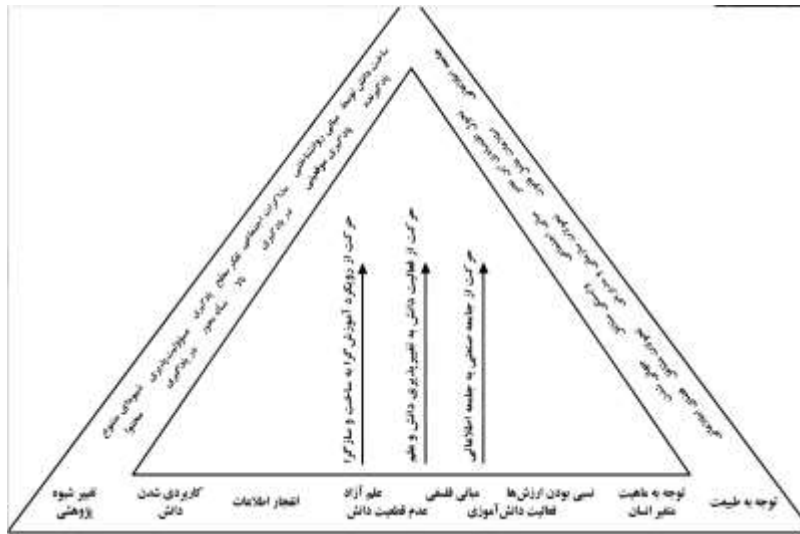
شکل ۲: طراحی برنامه آموزشی و درسی با رویکرد نوآوری

جهانی شدن در تعلیم و تربیت میتواند میدان معرفی و تعاملی برای نظریه پردازان، برنامه ریزان درسی و آموزشی، معلمان، مدیران و حتی مدارس موفق از طریق عرضه جهانی آثار و ابتکارات آنان ایجاد کند. شکل ۳ که توسط موک و چنگ، (۲۰۰۱) مطرح شده است فرایند جهانی شدن طرح های تعلیم و تربیت محلی را به خوبی نشان می دهد



شکل ۳: فرایند جهانی شدن طرح های تعلیم و تربیت محلی

سرعت بخشیدن شبکه های اطلاع رسانی همراه با حجم وسیع اطلاعات در دسترس که امکان پذیر است و دادن فرایند بازخورد اطلاعاتی برای اعضا در سیستم (ICT) از طریق فاوا یادگیری با سرعت بسیار بالا به معنای عصر انفجار اطلاعات است. به عبارتی در عصر تغییرات سریع جهانی شدن محیطهای شبکه ای مکانی برای رشد و توسعه یادگیری های انفرادی، آموزشی و سازمانی پدید میآورد (چنگ، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴). یادگیری مؤثر در عصر جدید در و محیط های شبکه، تسهیل کننده سطوح هوش و انگیزش یادگیرندگان، تسهیل کننده IT محیط تعاملات متقابل و تدارک سخت افزار و تکنولوژی جهت اعتبار بخشی و انتشار انواع متنوع دانش و تبدیل آن به دانش بومی است. بدین ترتیب بر اساس تئوریهای متفاوت توسعه انسانی و طراحی IT و رشد دانش بومی، به همان صورت که در جدول ۱ آمده است ویژگی های محیط IT آن از لحاظ مفهومی، روانشناختی و روش شناسی در فضای یاددهی- یادگیری متفاوت است.



شکل ۴: مبانی فلسفی، اجتماعی و روان شناختی الگوی برنامه درسی فاوا

در سالهای اخیر، توسعه و تحولات سریعی در دانش و فن آوری زمینه های مختلف بخصوص فن آوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)، رخ داده است. یکی از این زمینه ها، بکارگیری فاوا در فراروند آموزش و پرورش و شکل گیری نظام آموزشی در بستره فاوا است. بستره فاوا بتدریج منجر به تحولات عمیقی در نظام آموزشی می شود .

## ۲-۲- جهانی شدن و برنامه درسی

از جمله پیامدهای ناشی از جهانی شدن کثرت گرایی فرهنگی است (قادری، ۱۳۸۳) (تنازعات فرهنگی در نظام سیاسی اجتماعی آن نظام را به سمت عقب افتادگی سوق خواهد داد. توسعه ی ارتباطات فرهنگی، آگاهی های فرهنگی، آگاهی های محیطی در دستیابی به یک موقعیت نیازمند ارائه دانش جدید و کسب مهارت های ارتباطی در مکان های چند فرهنگی (فولر ۲۰۰۹) خاص به فرگیران است و این امر می تواند از طریق برنامه ی درسی تسریع و محقق شود (قادری، ۱۳۸۳).

تئوری های چندگانه	ویژگی محیط (IT)
تئوری درخت	طراحی محیط IT و محتوای آن بر اساس ارزش های بومی و سرمایه های فرهنگی- ملی است و از عناصر مفید خارجی جهت تسهیل یادگیری فردی و نهادی و توسعه بومی استفاده می گردد.
تئوری کریستال	طراحی محیط IT بر اساس نیازها و نگرانی های جامعه محلی و بومی و توجه به مترادف نمودن دانش جهانی جهت مطالعه و بر طرف کردن این نیازها و نگرانی ها است.
تئوری قفس	محیط IT گر چه بر روی منابع و دانش جهانی باز است اما با یک سری رموز، خطوط و قیودها جهت حفاظت از فعالیت های یادگیری افراد در مقابل اثرات منفی جهانی سازی طراحی شده است.
تئوری DNA	طراحی محیط IT عمدتاً در جهت تسهیل فرایند تشخیص و انتقال بهترین عناصر از دانش جهانی و جایگزینی با عناصر ضعیف دانش بومی است.
تئوری قارچ	محیط IT عمدتاً به صورت شبکه ای جهت همگام و انتقال انواع معنی از دانش جهانی به منظور رفع نیازهای دانش فردی و نهادی طراحی گردیده است.
تئوری آمیبه	محیط IT به منظور تسهیل یادگیری انفرادی، کاملاً بر روی دانش جهانی و منابع مربوط به دانش جهانی باز است و این دستیابی به منابع جهانی بنا نهایت استفاده و تغذیه و کثرت فشار داخلی دنبال می شود.

جدول ۱- تئوریهای چندگانه دانش جهانی در فضای یاددهی-یادگیری IT

### ۲-۳- اهمیت مبانی روان شناختی

همانگونه که یاد شد، مبانی روانشناختی هسته‌ی اصلی است که بر اساس آن اصول، بایدها و نبایدهای تدریس شکل می‌گیرد از این رو اگر کسی از یافته‌ها و هست‌های روانشناسی بی‌اطلاع باشد، یا اصلاً نمی‌تواند اصول وضع کند و یا اگر اصولی برای کارش داشته باشد، این اصول ناقص خواهد بود از این رو گفته‌اند: «عدم آگاهی بر رسالت آموزش و پرورش، و عدم اطلاع از نظریه‌ها و یافته‌های روانشناسی در باره‌ی یادگیرندگان در زمینه‌های توانایی‌های فطری و تفاوت‌های آنها در افراد، خودتصوری، شیوه‌های شناختی، آفرینندگی، فرایندهای تفکر، تاثیر محیط اجتماعی، اقتصادی، و رشد عواطف بر یادگیری آنان، به‌طور مسلم در برنامه‌ریزی درسی، و تعیین انتخاب موضوع و محتوا، و فعالیت‌های آموزشی تاثیر انکار ناپذیری دارد». (تقی پور، ۱۳۸۵).

### ۳- مدل تحقیق

بحث هویت ملی و هویت جهانی و مسئله ماندگاری یا تداوم هویت‌های ملی در جریان جهانی شدن و بین‌المللی شدن فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه است. هویت عبارت است از «به هم پیوست‌های از ویژگی‌های فرهنگی است که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود» (کستلز، ۲۰۰۵). به بیان دیگر، هویت ملی عبارت است از ادراکات مربوط به عناصر و وابستگی‌های اجتماعی فرهنگی که موجب وحدت و انسجام اجتماعی می‌شود و جزئی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد (برنج و همکاران، ۲۰۰۸). در رابطه با پدیده جهانی شدن و مسئله حفظ یا حذف هویت ملی، برخی معتقدند حرکت در جهت جهانی شدن، تأثیر منفی بر هویت‌های ملی و محلی دارد. گروهی دیگری بر این اعتقادند که جهانی شدن، تأثیری در یکسان‌سازی و همگرایی جهانی و حذف هویت ملی ندارد (بک، ۲۰۰۸).

گروه سوم، معتقدند انقلاب در زمینه ارتباطات، باعث تشدید آگاهی‌های قومی فرهنگی بیشتر می‌شود. از نظر این گروه، جهانی شدن همواره متضمن همزمانی و درون پیوستگی دو پدیده بوده که به صورت قراردادی را «محلی و جهانی شدن» نامیده می‌شوند. نظریه‌های دیگری نیز وجود دارد که جهت‌گیری برخی نظام‌های آموزشی را در ارتباط با سطح تمرکز بر دانش بومی، هویت ملی، دانش جهانی و هویت جهانی نشان می‌دهد.

این نظریات مطرح شده و تحلیل آنها نشان می‌دهد نظام‌های آموزشی بر مبنای هر یک از این نظریه‌ها در ارتباط با پدیده جهانی شدن و نظریه بومی ماندن باید سیاست‌هایی را اتخاذ کنند. برنامه‌های درسی آنان دارای چه ویژگی‌های است و به‌طور کلی نظام آموزشی از چه نقاط قوت و نقاط ضعفی برخوردار است و در نهایت پیامد و برو نداد آن نظام چیست باید شناسایی کرد.

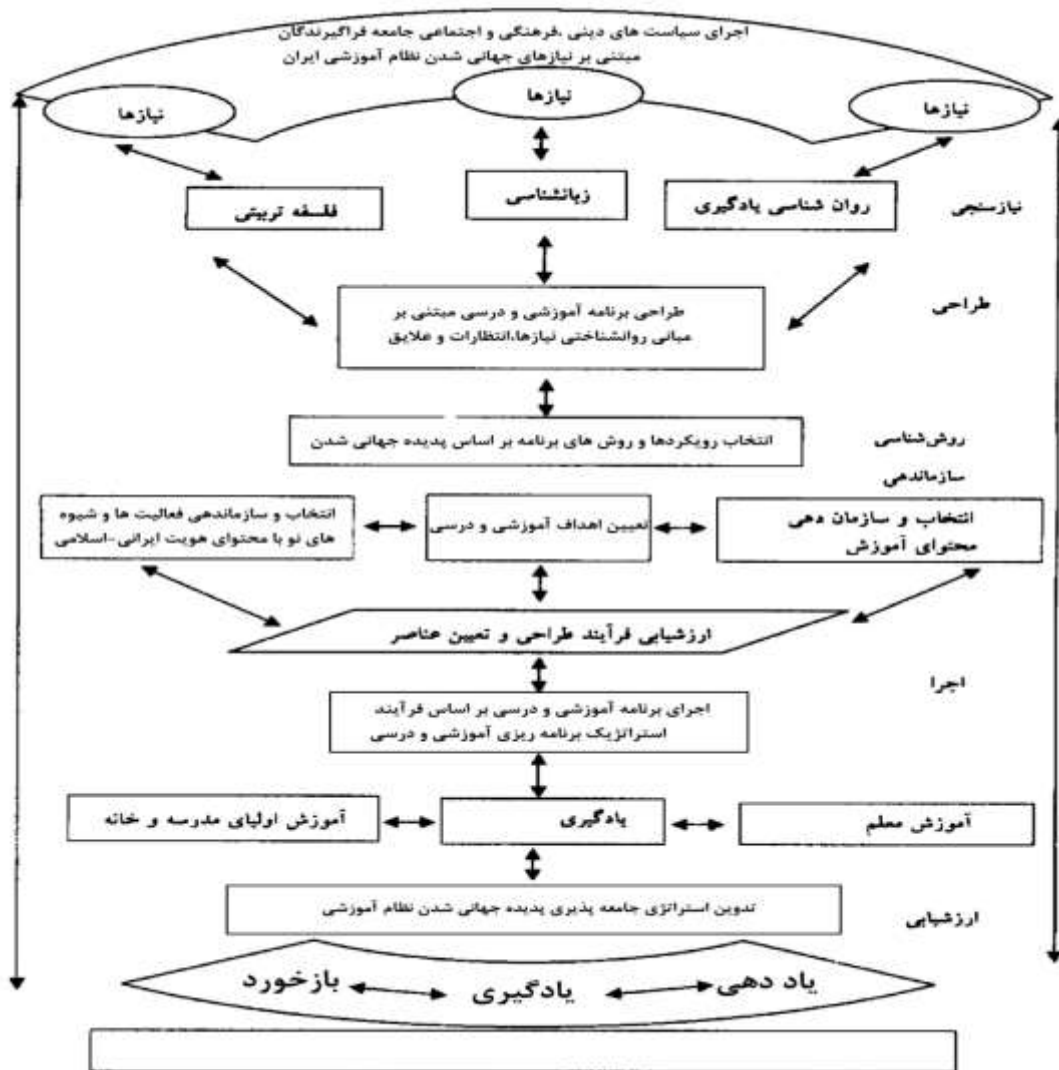
(اکل و همکاران، ۱۹۹۹) گاه نوآوری در نظام آموزشی نیازمند در نظر داشتن فرایند زیر است:

- ۱- شناخت فرایند نوآوری و آماده شدن برای اجرای نوآوری و تغییر با توجه به جنبه انسانی در نظام آموزشی
- ۲- شناخت دلیل ایجاد نوآوری
- ۳- شناخت عوامل مؤثر بر پذیرش نوآوری

۴- اجرای نوآوری با استفاده از تیم سازی و صرف منابع کافی

نظام آموزشی ایران برای حرکت به سمت توسعه پایدار و کمک به تحقق اهداف عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی در افق چشم انداز ۱۴۰۴ به شکل کلان و به منظور رسیدن به اهداف نظام آموزشی نیازمند برنامه ریزی و پیاده سازی نوآوری مناسب است. نتایج پژوهش های متعدد نشان می دهد که پیاده سازی موفق چنین نوآوری هایی مستلزم شناخت دقیق و برنامه ریزی منسجم در حوزه عوامل پیش برنده و محدود کننده پذیرش این نوآوری هاست.

شکل ۵: مدل جامع فرآیندی جهانی شدن نظام آموزشی ایران (محقق ساخته)



بنابراین شناخت عوامل مؤثر بر پیاده سازی نوآوری ها در برنامه ریزی آموزشی و درسی نظام آموزشی ایران می تواند به عنوان ابزاری برای برنامه ریزی بهتر در فرایند اجرا و پیاده سازی نوآوری آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. این مقاله در راستای مأموریت فوق و با هدف ارائه مدلی جهت حفظ هویت ایرانی - اسلامی در پدیده جهانی شدن نظام آموزشی ایران مبتنی بر مبانی روانشناختی برنامه ریزی آموزشی و درسی باروش گام به گام توصیف و تحلیل الگوهای محقق ساخته شده انجام گردیده است. در این پژوهش تلاش شد تا براساس مطالعات تطبیقی عمیق در حوزه تغییر و نوآوری در برنامه درسی و نظام آموزشی



ایران، در راستای جهانی شدن آموزش، مؤلفه‌ها و عناصر تأثیرگذار بر پیاده‌سازی موفق نوآوری برنامه‌دستی در خصوص فوق‌شناسایی شده و در قالب مدلی هماهنگ و منسجم جهت کاربرد در نظام آموزشی ایران بر مبنای حفظ هویت ایرانی-اسلامی و همگام با جامعه جهانی ارائه شود.

#### ۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر دسته‌بندی تحقیقات بر حسب نحوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی تحلیلی و از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است. در تحقیق حاضر برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای ذیل استفاده شد: ۱- مطالعات کتابخانه‌ای؛ ۲- بررسی اسناد و مدارک آرشیو، مقالات علمی و پژوهشی داخلی و خارجی.

#### ۵- یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان می‌دهد بومی‌سازی و جهانی‌شدن یکی از مهمترین لوازم در عصر جهانی‌شدن، و رویکردی مهم برای احیای تفکر اسلامی در نظام علمی فرهنگی جهان اسلام است. اگرچه هر نظام آموزشی طبق آرمانها و اهداف جامعه و با توجه به میزان اهمیتی که برای دانش ملی و دانش جهانی قائل است، راهکارها و فرصت‌های خاصی در ارتباط با رویکرد بین‌المللی سازی و بومی‌سازی علوم دارد، اما نظام‌هایی که دور از هرگونه افراط و تفریط در این زمینه قدم برداشته‌اند، توانسته‌اند نسبت به فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو، تصمیمات مؤثرتری داشته باشند و در بحث تولید علم و تحقق رسالت‌های نظام آموزشی، اثربخش‌تر عمل کنند.

جدول ۷- مقوله‌های استخراج شده از مفاهیم تحقیق			
مقوله	مفهوم	مقوله	مفهوم
سیاست‌های محیط کلان	فرهنگ برنامه‌دستی	سیاست‌های نظام آموزشی	برداشت مشترک از برنامه‌دستی
		محیط اجتماعی	ارزش‌های برنامه‌دستی
		محیط اقتصادی	هویت رشته تحصیلی
عوامل تسهیل‌کننده	ویژگی‌های پذیرندگان	محیط سیاسی	ارزش‌های استفاده‌کنندگان
		محیط فناوری	نگرش استفاده‌کنندگان
		حمایت مدیریت ارشد	انگیزش استفاده‌کنندگان
ویژگی‌های نوآوری	موانع پیش‌روی	رهبری	توسعه تخصصی
		ساختار مؤسسات آموزشی	میزان نوآور بودن
		کارکنان توسعه یافته	موانع ارزشی
نوآوری در برنامه‌دستی	پذیرش نوآوری در برنامه‌دستی	آزمون‌پذیری	موانع قدرت
		پیچیدگی	موانع روانشناختی
		سازگاری	موانع عملیاتی
نوآوری در برنامه‌دستی	پذیرش نوآوری در برنامه‌دستی	سهولت نوآوری	میزان توجه
		قابلیت مشاهده	سطح استفاده
		مزیت نسبی	دانش نوآوری
نوآوری در برنامه‌دستی	نوآوری در برنامه‌دستی		

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر تأکید دارد که کشور ما به طور قطع یکی از مهمترین حوزه های علمی فرهنگی بوده و هست. لذا به منظور مقاومت در برابر اثرات پدیده جهانی شدن و همچنین حفظ و احیای تفکر اسلامی در جغرافیای علمی فرهنگی جهان، چاره ای جز جهانی عمل کردن ندارد. اگر این مهم دارای الزاماتی باشد، یکی از مهمترین و اصلی ترین ارکان آن، بین المللی سازی برنامه های آموزشی و درسی نظام آموزشی و نظام فکری، معرفتی و مراودات علمی - فرهنگی، ایران است.

برنامه ریزی آموزشی و درسی، سازماندهی فعالیت های یاددهی و یادگیری در جهت تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده و در نهایت ارزشیابی از میزان تحقق این تغییرات است. در برنامه ریزی آموزشی و درسی مبانی روان شناختی دارای اهمیت فراوان است که می تواند در جهت مختلف برنامه ریزان را یاری رساند تا بتوانند برنامه ریزی مطلوبتر داشته باشند و در نتیجه افراد کامل و جامعه پذیر مطلوب را نیز در مراکز آموزشی تربیت کنند. یافته های مختلف روان شناختی به جهت نوع آن وسیله ای بسیار مناسب است که باعث می شود هم افراد دارای تخصص در یک جامعه دچار سرخوردگی نشوند و استعداد و قابلیت های آنان در مسیر اهداف بلند جهت دهی و سعادت انسان ها در این دنیا و هم آخرت آنها به فراموشی سپرده نشود. مطالعه روان شناختی یادگیری برای معلمان و اساتید آموزشی کشور که بیشترین مسئولیت آموزش متوجه آنهاست، بیش از افراد دیگر ضرورت دارد؛ زیرا همه فعالیت ها و کوشش های آنان برای این است که تجارب مفید و بیشتری را در اختیار فرگیرندگان در مسیر حفظ هویت ایرانی - اسلامی در پدیده جهانی شدن نظام آموزشی قرار دهند.

نزدیک به سه دهه است که اکثر نظام های آموزشی جهان رویکرد بین المللی سازی برنامه های آموزشی و درسی را در پیش گرفته اند و در حال حاضر این رویکرد در جامعه جهانی می رود که به یک هنجار کامل تبدیل شود. لذا لازم است نظام آموزشی کشور ما براساس مدل تبیین شده، (مدل هویت ایرانی - اسلامی در پدیده جهانی شدن نظام آموزشی ایران مبتنی بر مبانی روانشناختی برنامه ریزی آموزشی و درسی) گام های بلندی در این مسیر بردارد و از این طریق به ساختار عناصر آموزشی و درسی در جهت جهانی شدن بپردازد.

تصمیمات و سیاست های راهبردی آموزشی کشور از مدتها قبل متوجه این مسئله بوده و به این رویکرد توجه داشته است. در سند چشم انداز بیست ساله بیان شده است: «ایران کشوری است توسعه یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل، برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، دست یافته و ... به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پُرشتاب و مستمر اقتصادی است.

اما در حال حاضر ما شاهد دغدغه ها و نگرانی هایی در ارتباط با هویت، مبانی علم، دانش بومی و بومی سازی دانش در جامعه هستیم و این مسائل به ویژه بومی سازی علوم انسانی به یکی از اهداف و برنامه های پر چالش تصمیم گیرندگان بنیادهای علمی کشور تبدیل شده است. در این شرایط، از سویی، در جامعه ما مسئله حفظ هویت ملی و توجه به دانش بومی اهمیت بیشتری پیدا کرده و از سوی دیگر، شواهد نشان می دهد مؤسسات آموزشی کشور توانمندی های گسترده ای برای بین المللی شدن دارند و مصوبات قانونی نیز بین المللی شدن مراکز آموزشی و برنامه های درسی را تشویق و ترغیب می کنند ولی در استراتژی لازم شتاب ندارد.

توصیه می شود که در چنین وضعیتی، شایسته نیست به بهانه بومی سازی، رویکرد بین المللی سازی را رها کرد و نیز روا نخواهد بود که به دلیل محاسن و فرصت های ناشی از جهانی شدن، هویت ملی و رویکرد بومی سازی دانش را دست کم گرفت. از این رو مدل هویت ایرانی - اسلامی در پدیده جهانی شدن نظام آموزشی ایران مبتنی بر مبانی روانشناختی برنامه ریزی آموزشی و درسی رویکرد استراتژی و پاسخی به تهدیدات جهانی شدن و مقابله ای شایسته علیه پیامدهای سیاست های فرهنگی تهاجمی جامعه جهانی است؛ در نتیجه، اگر به جوانب موضوع توجه کافی شود، روشن خواهد شد که می توان بهره های لازم را از بین المللی شدن آموزش برد و هم می توان ضمن مدیریت و سرمایه گذاری هویت ملی و دانش، به ویژه دانش بومی، گامی استوار در راستای تحکیم و نیز اشاعه و معرفی دستاوردهای علمی، فرهنگی و ارزش های بومی و اشاعه آن به جامعه جهانی برداشت.

به نظر می رسد به منظور بهره گیری از منافع و فرصت های خاص ناشی از جهانی شدن آموزش کشور و نیز به منظور پرهیز از التقاط فکری و فرهنگی و حفظ و تقویت دانش و فرهنگ بومی و ملی، بومی سازی دانش در برنامه ریزی آموزشی و برنامه های درسی آموزش کشور باید مورد توجه جدی قرار گیرد؛ بنابراین هر دو رویکرد همانند بال هایی تصور می شود که می تواند به کمک مدل این پژوهش در عصر جهانی شدن، نظام مهندسی فرهنگی و علمی کشور را به اوج و عظمت برساند.

برنامه ریزان آموزشی و درسی و تصمیم گیرندگان آموزشی در کشور اگر نگران دانش بومی و هویت ملی و عواقب جهانی شدن هستند، لازم است مبنا و چشم انداز مطلوبی اختیار کنند و متوجه باشند که نظرگاه و جهت گیری آنان همچون هریک از نظریه های رشد دانش بومی که تشریح شد، آنان را به کدام جهت راهنمایی می کند. آنان باید اهداف اصلی جهانی شدن آموزش کشور را تعیین کنند و دقیقاً مشخص کنند؛ اهداف مذکور با رسالت های آموزشی کشور همخوانی داشته باشد و با اجرای اهداف مذکور در تولید علم و اشاعه دانش، تقویت و غنی سازی فرهنگ و تربیت منابع انسانی مورد نیاز نقش مثبت برنامه های درسی به طور خاص و آموزش به طور عام باید به نفع جامعه اسلامی و ذینفعان و ذیربطان جهانی شدن آموزش و سهم آنان در تعیین اهداف، اجرای رویکردها و برنامه ها و ارزشیابی از فرایندها مشخص باشد.

با نگاهی بر نظریه های مرتبط با جهت گیریهای جهانی شدن مراکز آموزشی، به این نتیجه می رسیم که هریک از رویکردها و نظریه هایی که برای بین المللی سازی یا بومی سازی برنامه های درسی مطرح شد، بر اساس میزان اهمیتی که برای دانش بومی، دانش جهانی، هویت ملی و هویت جهانی قائل است، پیامدها و برودادهای خاصی را در جامعه به دنبال دارد. هریک از این نظریه ها، می توانند به سیاست گذاران و برنامه ریزان آموزشی و درسی نهادهای آموزشی کمک کنند تا بتوانند به گونه ای شایسته تر به فهم پیامدهای مثبت و منفی برنامه ریزی های خود نائل شوند؛ لذا، ارجحیت هریک از این رویکردها در فرایند جهانی سازی برنامه درسی مبتنی بر میزان اهمیت دانش بومی و هویت ملی - اسلامی در مقابل دانش جهانی و هویت جهانی است.

در نتیجه، فرصت ها، تهدیدها و چالش های ناشی از جهانی شدن و بین المللی سازی نظام آموزشی ایران از طریق مدل هویت ایرانی - اسلامی در پدیده جهانی شدن نظام آموزشی ایران مبتنی بر مبانی روانشناختی برنامه ریزی آموزشی و درسی، قابل تشخیص می شوند و نظام آموزشی می تواند به نقاط قوت آموزشی و پژوهشی خود بیافزاید و رسالت های خود را به گونه ای بهتر براساس راهبرد استراتژیک مدل تحقیق حاضر محقق سازد.

## منابع

۱. آفازاده، محرم. عصاره، علیرضا (۱۳۸۷) نظریه های جهانی شدن آموزش و پرورش، و استلزامات آنان برای برنامه ی درسی و آموزش. مجموعه مقاله های هشتمین همایش انجمن مطالعات برنامه ی درسی ایران، جهانی شدن و بومی ماندن برنامه ی درسی: چالش ها و فرصت ها، ۸ و ۹ آبان ۱۳۸۷.
  ۲. شکاری، عباس. رحیمی، علی (۱۳۸۶) پیدا و پنهان جهانی شدن. تهران، اندیشه نوین.
  ۳. خسروی، محبوبه. ابراهیمی، زهرا (۱۳۸۳) جهانی شدن و تعلیم و تربیت. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت، جهاد دانشگاهی واحد تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
  ۴. قادری، مصطفی (۱۳۸۳) بسترهای فهم برنامه، تهران، انتشارات یادواره کتاب.
5. Apple, M. (2004). *Ideology and curriculum* (3rd Ed.). New York: Rout ledge Falmer.
  6. Beck, K. V. (2008), *Being International: Learning in a Canadian University*. Ph.D. Dissertation. Canada: Simon Fraser University.
  - 7.. Branch, C. W. Tayal, P. & Triplett, C. (2000), "The Relationship of Ethnic Identity and Ego Identity Status among Adolescents and Young Adults", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 24 (6), pp. 777-790.
  8. Bowles, S., & Gintis, H. (1976). *Schooling in capitalist America*. New York: Basic Books.
  9. Carnoy, M. (1999). *Globalization and educational reform: What planners need to know?* Paris: UNESCO, International Institute for Education Planning.
  10. Castells, M. (1989). *The informational city information technology, economic restructuring, and the urban-regional process*. Oxford: Blackwell.
  11. Castells, M. (2005), "Global Governance and Global Politics", *Academic Research Library*, Vol. 38, No. 1, pp. 9-16.
  12. Cheng, Y.C. (2001). *A New Paradigm of education: Globalization, Localization, Individualization and Contextualized Multiple Intelligence*, organized By the National Institute of Educational Planning and Administration, 2001, New Delhi, pp, 1-36.
  13. Cheng, Y.C. (2002). *Fostering Local Knowledge and Wisdom in Globalized Education: Multiple Theories*, The 8th International Conference on Globalization and Localization Enmeshed: Searching for a Balance in Education, November 18-21, 2002, Bangkok, Thailand, pp. 1-36.
  14. Cheng, Y.C. (2004). *Fostering Local Knowledge and Human Development in Globalization of Education*. *The International Journal of Management*, Vol. 18, No. 1, Pp. 7-24.
  15. Delong, D. W. (2002). "Diagnosing cultural barriers to knowledge management." *Academy of Management Executive* 2002; 14(4):113–127.

16. Eckel, P., Hill, B., Green, M., & Mallon, B. (1999). Taking charge of change: A primer for colleges and universities. (On Change: Occasional Paper, No. 3). Washington, DC: American Council on Education
17. Fuller, Terry (2009). Internationalization of the Curriculum at BCIT, Report adapted on the 2009 ASHE Conference proposal for a presentation in Van Couver, September 2009.
18. Gacel, J. A. (2005), "The Internationalization of Higher Education: A Paradigm for Global Citizenry", Journal of Studies in International Education, 9 (121).
19. Geo-JaJa M. A. Payne, S. J. Hallam P. R. & Baum D. R. (2009). Gender equity and women empowerment in Africa: The education and economic globalization nexus. In J. Zajda & K. Freeman (Eds.). Globalization, comparative education and policy research (Vol. 12, pp. 97-121) New York: Springer.
20. Giddens, A. (1999). Runaway World: How Globalization is reshaping Our Lives. London: Profile.
21. Giddens, A. (2000). Runaway World. London: Routledge.
22. Giddens, A., Hutton, W. (2001). On the Edge, Living with Global Capitalism, London, P. 64
23. Hallak, J. & Muriel, P. (1999). "Education and globalization: learning to live together" In the Challenges for Educational Content in Asia, Final Report on the Sub-Regional Course on Curriculum Development, New Delhi, India, 9- 17 March 1999, IBE and Indian Ministry of Human resources development.
24. McGrew, A., (1992). Conceptualizing Global Politics, Cambridge, P. 23.
25. McLaren, P., Farahmandpur, R. (2005). Teaching against global Capitalism and the new Imperialism. Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
26. Mok, M. M. C., Cheng, Y. C., (2001). A Theory of Self-Learning in a Human Technological development: Implication For educational Reforms, International Journal of education Management, Vol. 15, pp. 172-86.
27. Scholte, J. A. (2000). Globalization: A critical introduction, London: Palgrave.
28. Smith, M. K. (2002). Globalization and the Incorporation of Education.
29. Waters, M. (2001). Globalization. London: Routledge.
30. Zajda, J. (2009a). Globalization and its impact on education and policy, In J. Zajda & V. Rust (Eds.), Globalization, policy and comparative research, Dordrecht: Springer.